



بازگشت زندگی به شهر، یک ماه پس از زلزله خوی

بیم وامید در سرزمین آفتابگردان‌ها

یوسف حیدری
خبرنگار اعزامی

ترافیک شهر یعنی زندگی دوباره، شلوغی بازار و چراغ قرمزهای طولانی؛ با وجود این هنوز هم می‌توان ترس را در چشمان مردم خوی دید. همه در تکاپو هستند تا به زندگی برگردند. وقتی متوجه می‌شوند از پایتخت آمده‌ای اولین جمله‌ای که به زبان می‌آورند قدردانی از مهربانی مردم ایران است. می‌گویند تصور نمی‌کردیم در این شرایط اقتصادی مردم از همه شهرهای ایران برای کمک به خوی بیایند. مهربانی‌های آنها را هیچ وقت فراموش نمی‌کنیم. از سراسر کشور در ۳۱ نقطه شهر موبک برپا کرده بودند و خدمات می‌دادند. «وضعیت شهر با هفته اول بعد از زلزله خیلی فرق می‌کند. بعد از زلزله اینجا شهر ارواح شده بود. در کوچه و خیابان از ماشین و آدم خبری نبود. اما خدا را شکر مردم به زندگی عادی برگشتند.» این را راننده جوانی می‌گوید که همراه او از فرودگاه به شهر می‌رویم. چند کیلومتر مانده به شهر چادرهای سفید هلال احمر در کنار خانه‌هایی که آسیب دیده‌اند، دیده می‌شود. تعدادی از این خانه‌ها آسیب جدی ندیده‌اند، اما ساکنان آن از ترس پس‌لرزه ترجیح می‌دهند شب‌ها در چادر بمانند.

انگار همین دیروز بود، ۸ بهمن‌ماه ساعت ۲۱ و ۴۵ دقیقه، چند روز از دومین زلزله خوی گذشته بود و کسی تصور نمی‌کرد سومین زلزله با شدت بیشتری این شهر را بلرزاند. زمین با صدای وحشتناکی لرزید. همه وحشت‌زده بیرون آمدند. این بار کانون زلزله شهر فیروزق در حاشیه خوی بود. نزدیک به ۲ هزار واحد مسکونی تخریب و یا آسیب دیدند. کسی حاضر نبود به خانه برگردد. زلزله چند روز بعد ترکیه و کشته شدن بیش از ۴۰ هزار نفر وحشت مردم خوی را بیشتر کرد. بیشترین آسیب زلزله در منطقه فیروزق و در کوچه‌های بهور و پاسداران است. همه خانه‌ها تخریب شده و بعضی از ساکنان آن مقابل خرابه‌های خانه در چادرهای هلال احمر زندگی می‌کنند. ساکنان فیروزق می‌گویند زمان برای ما از شب هشتم بهمن متوقف شد. اینجا سرزمین گیلان و مزرعه‌های آفتابگردان است و قبل از زلزله برای خودمان زندگی داشتیم اما امروز این زندگی است که می‌بینید. مهندسان ارزیاب بنیاد مسکن مشغول بررسی میزان خسارت خانه‌ها هستند. در نقاط مختلف شهر کانکس‌هایی قرار دارد که روی آنها نام اهداکننده نوشته شده است. از هنرپیشه‌ها و ورزشکاران تا باشگاه‌های ورزشی و خیران خارج از کشور. ۴۱۰ خانه در منطقه فیروزق تخریب شده و ۱۵۰۰ منزل مسکونی آسیب دیده است. حالا چشم بی‌سرپناهان زلزله به تسهیلات دولتی و کمک‌های خیران برای بازسازی

خانه‌های ویران شده است. صدای پتک از ورودی کوچه به گوش می‌رسد. انتهای کوچه ویران شده بهور ۲ که می‌رسیم با در نیمه‌بازی مواجه می‌شویم. پسر خردسال کنار برادرش آجرهای روی زمین را جمع می‌کنند. محمدرضا ترک‌های دیوار خانه‌شان را نشان می‌دهد و می‌گوید: یک ماه است سرپناه نداریم و در چادر زندگی می‌کنیم. شب زلزله پدرم خواب بود و من با برادرم بازی می‌کردم. صدای مهیبی آمد و بسرعت به حیاط دویدیم. پای من آسیب دید و به هر سختی که بود بیرون آمدم. دیوارهای خانه ترک برداشت. چون ۷ سال قبل این خانه را ساختیم سقف روی سرمان نیامد. پدر متوجه حرف‌های ما می‌شود و پتک را کنار می‌گذارد. می‌گوید دیسک کمر دارد اما مجبور است هر چه زودتر خانه را تعمیر کند. «کارشناسان بنیاد مسکن گفتند خانه ما جزو خانه‌هایی است که باید تعمیر شود. گفتند دیوارهای آشپزخانه و اتاق خواب را که ترک خورده خراب کنیم تا با وامی که می‌دهند ساخت‌وساز داخل خانه را شروع کنیم. از شب زلزله با بچه‌ها اول خیابان در چادر زندگی می‌کنیم. شب‌ها از سرما کلاه سرمان می‌ذاریم و می‌خوابیم. کمرکسانی‌ها بویخی انجام شد و مردم شهرهای مختلف ما را شرمند لطف و مهربانی‌های‌شان کردند. بخشداری و فرمانداری هم چادر و وسایل گرمایشی به ما دادند. اما مهم‌ترین خواسته ما



چند متر پایین‌تر لودرهای بنیاد مسکن آذربایجان شرقی مشغول آواربرداری هستند. راننده لودر با راهنمایی مردی که کنار دیوار ایستاده کامیون می‌ریزد. مرد با چهره خاک‌گرفته سیگاری روشن می‌کند و پک عمیقی به آن می‌زند. می‌گوید همه زندگی‌اش در چند ثانیه خراب شد. «آن شب همه وحشت کرده بودیم. اما قبل از طلوع آفتاب کمک‌ها به این منطقه سرازیر شد و همین به ما دلگرمی داد. مسئولان قول داده‌اند این بار با نقشه مهندسی و مصالح رایگان و وامی که می‌دهند خانه ایمن بسازیم. البته باید در بازدید و ارزیابی خانه‌ها سرعت بیشتری داشته باشند.»

خانه است و اینکه زودتر خانه‌هایمان درست شود و به زندگی عادی برگردیم.» چند متر پایین‌تر لودرهای بنیاد مسکن آذربایجان شرقی مشغول آواربرداری هستند. راننده لودر با راهنمایی مردی که کنار دیوار ایستاده خاک‌های آوار را داخل کامیون می‌ریزد. مرد با چهره خاک‌گرفته سیگاری روشن می‌کند و پک عمیقی به آن می‌زند. می‌گوید همه زندگی‌اش در چند ثانیه خراب شد. «آن شب همه وحشت کرده بودیم. اما قبل از طلوع آفتاب کمک‌ها به این منطقه سرازیر شد و همین به ما دلگرمی داد. مسئولان قول داده‌اند این بار با نقشه مهندسی و مصالح رایگان و وامی که می‌دهند خانه ایمن بسازیم. البته باید در بازدید و ارزیابی خانه‌ها سرعت بیشتری داشته باشند.»

چند خیابان بالاتر مراسم کلنگ‌زنی ساخت مدرسه در حال اجرا است. مدرسه‌ای که قرار است خیرین مدرسه‌ساز با همکاری سپاه پاسداران بسازند و آن را در اختیار دانش‌آموزانی که مدرسه‌شان در زلزله تخریب شده است، قرار دهند. رضا کشتکار بخشدار فیروزق با ما همراه می‌شود تا از نزدیک وضعیت خانه‌هایی را که تخریب شده و کم‌هایی که اهالی در آن اسکان داده شده‌اند، ببینیم. می‌گوید سخت‌ترین روزهای زندگی‌اش را پشت سر گذاشته است. «از شب زلزله مردم را در دو اردوگاه شهید سلیمانی و صالحین اسکان دادیم. علاوه بر آن چادر در اختیار مردم قرار دادیم تا آنهایی که می‌خواهند کنار خانه‌هایشان چادر بزنند. مسئولان بنیاد مسکن از ۶ استان برای ارزیابی و آواربرداری اینجا آمده‌اند. از جنوب کشور و شیراز تا انزلی و تهران و کرج و تبریز و ارومیه همه برای کمک آمدند. جایی از ایران را پیدا نمی‌کنی که به مردم خوی کمک نکرده باشند. تعدادی از هیات‌ها و ارگان‌ها از شب اول موبک برپا کردند و غذای گرم به مردم دادند. در برخی از روستاهای فیروزق ۸۰ باب خانه تخریب شده و در برخی دیگر از روستاها تا ۴۰ باب خانه آسیب دیده است. بعد از زلزله ترکیه و اظهارات فردی در فضای مجازی که خودش را پیشگوی زلزله معرفی کرده، مردم نگران شده‌اند. ۱۳ مهرماه زلزله ۵/۴ ریشتری داشتیم و ۲۸ دی‌ماه بازهم زلزله با همین ریشتر آمد. اما زلزله آخر که ۸ بهمن‌ماه آمد با قدرت ۵/۹ ریشتر باعث تخریب خانه‌های این منطقه شد. مردم از اینکه زلزله‌ها با قدرت بیشتری ادامه پیدا می‌کند، وحشت کرده‌اند. زلزله ترکیه هم وحشت‌شان را بیشتر کرده و می‌گویند قرار نیست زلزله دست از سر ما بردارد.»

سربالایی یکی از کوچه‌های ویران‌شده را می‌گیریم و بعد از پیچ جاده به کمپ صالحین می‌رسیم. کمی آن طرف‌تر کانکس سفید رنگی که روی آن نوشته «اهدایی از تورنتو کانادا» جلب توجه می‌کند. کارمندان مخابرات سیم‌های تلفن یکی از خانه‌ها را که قرار است

تخریب شود، جمع می‌کنند. پیرمردی از چادر بیرون می‌آید و تعارف می‌کند کنار بشکه‌ای که به اجاق‌گاز تبدیل‌اش کرده، بشپیم. محمعلی با دست خانهاش را نشان می‌دهد و می‌گوید: «۴۰ سال قبل این خانه دو طبقه را ساختم. باور می‌کنی اسکلت فلزی ندارد. با این حال در این زلزله‌ها فرو نریخت، ولی همه دیوارها و سقف ترک برداشته و کارشناسان بنیاد مسکن گفتند باید تخریب شود. منتظرم تا آواربرداری کنند و با گرفتن کارگر دوباره خانه‌ام را بسازم.» از من می‌خواهد تا سری به خانه یکی از اهالی روستای زاویه حسن‌خان که یکی از اعضای خانواده در زلزله زیر آوار جان داد، بزنم. می‌گوید وقتی زلزله آمد پسر خانواده در آغل مشغول علوفه دادن به گوسفندان بود که سقف ریخت و زیر آوار ماند.» اوضاع کمپ صالحین به خوبی کمپ شهید سلیمانی نیست. ۵۰ خانوار در چادرهای زردرنگ در این کمپ اسکان دارند. زن دست کودک‌اش را گرفته و از چادر بیرون می‌آید. می‌گوید «می‌ترسیم به خانه‌هایمان برگردیم. دیوار و سقف ترک برداشته و با هر پس‌لرزه ممکن است سقف پایین بیاید. دوست نداریم اینجا بمانیم و اگر به ما چادر بدهند کنار خانه‌هایمان می‌مانیم.» گوشی موبایل‌اش را نشان می‌دهد. «همه ساکنان خوی هر ساعت سایت زلزله‌نگاری را بررسی می‌کنن. الان نگاه کن همین امروز دو زلزله ۲/۵ ریشتر آمد. هر روز این سایت را نگاه می‌کنیم. شایعه شده دوباره زلزله ۵ ریشتری می‌آید. حالا صبر می‌کنیم. ۳۰۰ نفر در این کمپ اسکان دارند ولی کمک‌های مردمی کمتر به اینجا می‌رسد. اینجا منطقه بهمن‌آباد است که مردم آن وضعیت مالی خوبی ندارند. همه کارگر فصلی هستند و الان هم که از کار خبری نیست.» چند نفری از چادرهای‌شان بیرون می‌آیند و گرد ما جمع می‌شوند. می‌گویند از طرف ما از همه مردم ایران تشکر کنید. آنها در این اوضاع اقتصادی ما را تنها نگذاشتند. امیدواریم با آسان شدن شرایط اداری هرچه سریع‌تر وام بازسازی و مصالح در اختیارمان قرار بگیرد تا بتوانیم خانه‌هایمان را بسازیم. می‌خواهیم تابستان از مردم خوب کشورمان که ما را یاری کردند، پذیرایی کنیم.



۱۷۰ چادر سفید و زرد هلال احمر در کمپ شهید سلیمانی فیروزق کنار هم ردیف شده‌اند. تعدادی از چادرها داخل سالن سرپوشیده و بقیه هم داخل محوطه. هیاهوی بچه‌ها و توپ بازی‌شان فضا را پر کرده است. محمعلی توپ را شوت می‌کند و به سوی چادرشان می‌دود. می‌گوید الان کلاس آنلاین‌اش شروع می‌شود. دو زن جوان قابلمه به دست پارچه ورودی سالن را کنار می‌زنند و به طرف آشپزخانه می‌روند. اینجا همه یک درد دارند. چند نفری با دیدن بخشدار از چادر بیرون می‌آیند و پیگیر وضعیت خانه‌هایشان می‌شوند. بخشدار جواب‌شان را می‌دهد و می‌گوید مانند مردم در این کمپ‌ها خطرناک است. «اگر یکی از این چادرها آتش بگیرد، آتش بسرعت به همه چادرها سرایت می‌کند. سعی کردیم همه امکانات را در این کمپ برای مردم فراهم کنیم؛ از پزشک تا غذا و دارو. با وجود این خیلی‌ها می‌خواهند چادر در اختیارشان قرار بدهیم تا کنار خانه‌شان باشند و کار بازسازی را زودتر شروع کنند. خیلی از کسانی که اینجا هستند خانه‌هایشان خراب شده و جایی برای زندگی ندارند. این وسعت وضعیت مستأجرها بدتر است و نمی‌دانند کجا بروند. با تصویب هیأت دولت قرار است مبلغی به عنوان ودیعه مسکن در اختیار خانواده‌هایی که خانه‌هایشان خراب شده، قرار بگیرد که تا زمان بازسازی جایی را رهن کند. متأسفانه کمک‌هایی که خیرین و چهره‌های هنری و ورزشی برای مردم زلزله‌زده می‌آورند هدفمند توزیع نمی‌شود. آنها اعتمادی به مسئولان دولتی ندارند و خودشان می‌خواهند توزیع کنند. ما هم مانع نمی‌شویم و حتی به آنها کمک می‌کنیم. ولی برنامه‌ریزی نداشتن باعث می‌شود برخی چادر و وسایل و امکانات زیادی بگیرند و برخی کم. اعلام کردیم دهبازار روستاهای ما می‌توانند خیرین را برای کمک‌رسانی راهنمایی کنند تا کمک‌ها به دست نیازمندان واقعی برسد. متأسفانه برخی در فضای مجازی اخبار غیرواقعی منتشر می‌کنند و می‌گویند هیچ کمکی به زلزله‌زده‌ها انجام نگرفته است درحالی که همه آنها در چادر اسکان داده شده‌اند. در این میان برخی از هنرمندان و ورزشکاران و حتی باشگاه‌های ورزشی برای زلزله‌زده‌ها کانکس فرستادند و خودشان هم بین آنها توزیع کردند.»

